

به نام خدا

عدالت و قسط در قرآن
با تاکید بر ابعاد اقتصادی

مرتضی عزتی

دانشیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

عدالت آرمان بزرگ بشری است که همواره مورد توجه اندیشمندان و حاکمان دلسوز بوده و دین الهی نیز به آن توجه ویژه داشته است. قسط از واژه‌هایی است که مشترکات معنایی گسترده‌ای با عدالت دارد و در قرآن بیش از عدالت به کار برده شده است. درباره نسبت معنایی این دو واژه دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. برخی قسط و عدالت را به یک معنا دانسته‌اند، برخی معنای متفاوتی برای آنها قایل هستند. با این وجود برای درک بهتر مفهوم و معنای عدالت و قسط در قرآن و نسبت معنایی این دو واژه با هم، مناسب است با بررسی روشمندان‌تر در قرآن به جستجوی معنای عدالت و قسط در قرآن بپردازیم تا نسبت معنایی درست‌تر این دو را بیابیم. این مقاله کوشش دارد با روش تحلیل مولفه‌های معنایی دو واژه عدالت و قسط به صورت مقایسه‌ای بر پایه رابطه‌های هم‌نشینی آنها در قرآن به نسبت معنایی درست‌تر این دو واژه در قرآن دست یابد و برداشت‌های دیگر درباره نسبت معنایی آنها را نیز محک بزند. نتیجه اینکه به نظر می‌رسد می‌توان عدالت و قسط را به معنای کلی رعایت و دادن حق افراد دانست، ولی این دو واژه در قرآن ضمن اینکه اشتراکات معنایی مشخصی با هم دارند، تفاوت‌های معنایی و کاربردی روشنی نیز دارند. عدالت ابعاد مفهومی کلی دارد، ولی قسط تعریف عملیاتی و اجرایی عدالت به معنای دادن حق افراد بر پایه معیارهای پذیرفته شده جامعه است.

کلیدواژه: قسط، عدالت، قرآن، اخلاق، معیار

۱. مقدمه

عدالت و قسط دو واژه پرکاربرد در قرآن است که نسبت معنایی آنها بسیار بحث برانگیز بوده است. در بیشتر ترجمه و تفسیرهای قرآن، مترجمان و مفسران این دو را برابر هم و به معنای عدالت ترجمه کرده‌اند. درباره ریشه واژه قسط نزد واژه‌شناسان نیز اختلاف‌هایی وجود دارد. با این وجود برخی قسط را دارای تفاوت‌های معنایی مشخصی با عدالت دانسته‌اند. افزون بر این درباره مفهوم کلی عدالت و قسط در آیه‌های مختلف قرآن نیز تعبیرهای متفاوتی ارائه شده است. یک نگاه روشمند به دو واژه عدالت و قسط در قرآن می‌تواند بخشی از مشکلات معنایی و بخش قابل توجهی از این تفاوت‌های برداشت از قرآن را برطرف کند و نسبت معنایی مطابق‌تر با قرآن را برای عدالت و قسط نشان دهد. در این نوشتار کوشش می‌شود با نگاه به مباحث واژه‌شناسی قرآن معنای اولیه دو واژه عدالت و قسط بیان شود و پس از آن با روش‌های معتبر معناشناسی به معنای دقیق‌تر و نسبت معنایی عدالت و قسط در قرآن برسیم.

مساله عدالت و قسط در قرآن چیست؟

عدل در قرآن به چند معنا به کار رفته است که یکی از آنها عدالت یا همان داد است. واژه عدل به معنای عدالت و ریشه آن ۲۱ بار در قرآن به کار رفته است. در برخی آیه‌ها بیش از یکبار و همه آیه‌های قرآن که در آن واژه عدل به معنای عدالت به کار رفته ۱۸ آیه است. مترجمان و مفسران قرآن، در ۵ آیه دیگر، معنای آن را غیرعدالت دانسته‌اند. در برابر این در قرآن در ۲۰ آیه ۲۳ بار از ریشه قسط و در ۲ آیه دیگر واژه قسطاس و در ۲ آیه نیز واژه قاسطون به کار رفته است که برخی این دو واژه را از ریشه قسط و برخی از ریشه دیگری می‌دانند. صرف‌نظر از این اختلاف، درباره معنای قسط نیز اختلاف زیادی میان صاحب‌نظران وجود دارد. بیشتر مترجمان و مفسران آن را عدالت دانسته‌اند.^۱ برخی آن را عدالت اقتصادی پنداشته‌اند و برخی نیز عدالت اجتماعی دانسته‌اند. با این وجود به نظر می‌رسد تامل در قرآن می‌بایست روشن کند که مفهوم و نسبت درست‌تر عدالت و قسط چیست؟ شاید علت این تفاوت در برداشت از معنای این دو واژه در قرآن، کم توجهی به برخی نکات بایسته در زمینه معناشناسی قرآنی باشد. خطای در برداشت از قرآن می‌تواند موجب خطای در رفتار و کردار دینی شود. از این رو برداشت درست از قرآن می‌تواند موجب کاهش برخی رفتارهای نادرست به نام دین شود. براین پایه، این بررسی در پی آن است تا با تعمق روشمند در قرآن به معنا و نسبت معنایی دو واژه عدالت و قسط در قرآن برسد.

چارچوب این نوشتار پس از مقدمه، در بر گیرنده اشاره به روش این بررسی و پس از آن نگاهی به نظر واژه‌شناسان درباره معنای دو واژه و سپس پیشینه بررسی‌ها در زمینه قسط در قرآن است. در ادامه تحلیل معناشناختی مقایسه‌ای از مولفه‌های معنایی بر پایه رابطه‌های هم‌نشینی دو واژه عدالت و قسط در قرآن انجام و در پایان جمع‌بندی ارائه می‌شود.

۲. روش

از روش‌هایی که برای فهم معانی قرآنی به کار می‌رود، روش معناشناسی ساختگرا است. این روش، گونه‌ای از معناشناسی است که در چارچوب روابط معنایی به وصف و تبیین معنا می‌پردازد. می‌توان روابط معنایی را در دو سطح واژه و جمله

۱ برای نمونه نگاه کنید به الهی قمشه‌ای، المیزان، طبری، آیتی، پاینده، ابراهیمی، انصاری، ارفع و دیگر ترجمه و تفسیرها زیر آیه‌های ۴۷ انبیا، ۸۵ هود، ۹ رحمن، ۴ و ۴۷ و ۵۴ یونس، ۸ و ۴۲ ملئده، ۱۸ و ۲۱ آل‌عمران، ۱۵۲ انعام، ۲۹ اعراف، ۲۵ حدید، ۸ ممتحنه، ۳ و ۱۲۷ و ۱۳۵ نساء، ۹ حجرات، ۵ احزاب، ۲۸۲. بقره.

بررسی کرد (اکبری راد، ۱۳۹۵، ۸). واژه‌های قرآنی افزون بر معنایی که از خود دارند و معنای اساسی نامیده می‌شود، معنای نسبی نیز پیدا می‌کنند که بر معنای خاص و اسلامی آن واژه دلالت تضمینی دارد. در این روش از ارتباط میان واژه‌ها آیات و جمله‌ها استفاده می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ۱۵-۲۱) (به نقل از گلدانی و ناصح، ۱۴۰۱، ۴۷-۶۶).

روش رابطه‌ای در دامنه معناشناسی ساختگرا قرار دارد که به تبیین روابط ساختاری میان واژه‌های مرتبط با یکدیگر می‌پردازد و به واژگان نظری‌ای که در این تبیین دخیل هستند، محدود می‌شود. (گیررتس، ۱۳۲) از دیدگاه لاینز می‌توان مفهوم واژه را از راه روابط مفهومی آن کشف کرد (گیررتس، ۱۸۵) (به نقل از سید خراسانی و فتحی، ۱۳۹۸، ۱۱۳-۱۳۵) رابطه هم‌نشینی از نشانه‌های زبانی است که به ترکیب کلمات در جمله مربوط است. به نسبت کلماتی که در همسایگی یک واژه قرار گرفته‌اند، رابطه هم‌نشینی می‌گویند (افراشی، ۱۳۷۷، ۳۱۹) که از عوامل موثر در تولید معنا هستند (چندلر، ۱۳۹۴، ۱۳۳) (به نقل از فلاح، ۱۴۰۱، ۲۶۷-۲۸۹). در بررسی حاضر، روش بررسی مولفه‌های معنایی قسط برپایه روابط هم‌نشینی آن در قرآن به کار می‌رود. مبنای این روش آن است که معنای هر واژه از مولفه‌هایی ترکیب شده است که می‌توان آنها را از تحلیل مولفه‌ای بازیافت (صفوی، ۱۳۷۹، ۲۷۷). در این نوشتار به بررسی معناشناسی مقایسه‌ای عدالت و قسط با تمرکز بر مولفه‌های معنایی آن از مسیر هم‌نشینی‌ها در قرآن می‌پردازیم. پس از شناسایی جداگانه هم‌نشینی‌های این دو واژه در قرآن، تحلیل مقایسه‌ای معنایی آنها در ۶ بخش انجام می‌شود.

- مولفه‌های معنایی
- مولفه‌های کارکردی و کاربردی
- هم‌نشینی‌های دیگر
- نکته‌های ویژه هر واژه
- ابعاد اقتصادی
- مقایسه صریح قرآنی دو واژه

سپس به جمع‌بندی و ارایه اشتراکات و اختصاصات معنایی این دو واژه پرداخته می‌شود.

۳. پیشینه عدالت و قسط در قرآن

این بخش در دو قسمت واژه‌شناسی عدالت و قسط و مروری بر بررسی‌های عدالت و قسط در قرآن ارایه می‌شود.

۳.۱. واژه‌شناسی عدالت

در این زمینه فراهیدی (۱۴۰۸ق، ج ۲، ۳۹) چند معنای واژه عدل را چنین بیان می‌کند: راستی، درستی، دادگری، میانه‌روی، مساوات، استقامت، حکم به حق، برابری و قرار دادن هر چیز در جای خود. ابن‌منظور (۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۱۴) می‌گوید عدل آن چیزی است که فطرت انسان حکم به درستی آن کند. این معنا را برخی واژه‌شناسان دیگر نیز پذیرفته‌اند (خوری شرتونی، ۱۳۸۵؛ ج ۳، ص ۴۹۴).

ابن‌منظور (۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۱۴) معنای مقلبل ظلم و جور بودن را نیز برای عدالت بیان می‌کند. افزون بر او دیگران نیز این معنا را بیان کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۸ق، ۱۱۵۴؛ خوری شرتونی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۹۴). راغب اصفهانی (۱۳۶۲، ۳۲۶-۳۲۵) یک معنای اصلی عدل را برابری می‌داند. افزون بر راغب دیگر لغت‌شناسان نیز معنای مساوات و برابری را

پذیرفته‌لند (ابن فارس، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۴۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۲۱). منجدالطلاب همه این معناها را برای واژه عدل یکجا بیان می‌کند: عدالت، راستی، درستی، عادل، نظیر، همتا، پاداش، میانه‌روی، مساوات، برابری، لنگه، پیمان‌ه و مانند اینها (بستانی، ۱۳۷۴، ۳۵۲).

لغت‌نامه دهخدا برای عدل با فتحه ع (عَدَل) معنای انصاف، داد، عدالت و معدلت و برای عدل با کسره ع (عَدِل) معنای عوض، بدل، معادل، مقابل و برابر را بیان کرده است و معادل عربی آن را عدالت، عدل، انصاف، قاض، استقامت و اعتراف بحق بیان کرده است. در این لغت‌نامه برای عدالت نیز مترادف‌های انصاف، برابری، داد، دادگری، دادگستری، عدل، معدلت، منصفی ارایه شده است. همچنین با فتحه ع مقابل ستم، مقابل بیداد، داد. مقابل جور، ضد جور، نقیض جور. مقابل ظلم، نصفت، قسط، عدالت، انصاف، امری بین افراط و تفریط. مساوات در مکافات به نیکی نیکی و به بدی بدی، داوری به حق، مساوی آزر و برای عدل (با کسره ع) عوض، بدل، معادل، مقابل و برابر را بیان کرده است (لغت‌نامه دهخدا، برخط، زیر واژه عدل). معین (۱۳۸۸، زیر عدل). عدل را به معنای درست، دقیق و راست معنا می‌کند و عدالت را به معنای عادل بودن، انصاف داشتن و دادگری بیان می‌کند

در زبان انگلیسی برای بیان مفهوم عدالت از واژه Justice استفاده می‌شود. این واژه در دیکشنری وبستر^۲ به معنای عدالت، داد، انصاف، درست، بی‌طرفی و مطابق واقعیت و در دیکشنری کمبریج^۳ به معنای عدالت، داد، درست، مطابق قانون، واقعیت، برابری و حق به کار رفته است. منابع دیگر نیز مانند اینها با اندکی تفاوت این واژه را معنا کرده‌اند. از مجموع نظر واژه‌شناسان می‌توان این معنا را برداشت کرد که عدل چند معنا دارد که یکی از آنها عدالت است و عدالت در معنای کلی به زبان انگلیسی، فارسی و عربی همان داد است که یک مفهوم کلی جهانی است.

۳.۲ واژه‌شناسی قسط

ابن منظور (۱۴۱۴، ج ۷، ص ۳۷۷) قسط را عدل و حصه و نصیب می‌داند و اقساط (با کسر اول) عدل در قسمت کردن است. راغب اصفهانی (۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۰۳) قسط را نصیب و سهم‌گذاری با عدالت می‌داند. بستانی (۱۳۷۹، ۴۴۴) در منجدالطلاب معنای قَسَط را از حق کناره‌گرفت، جفا پیشه کرد و عدالت پیشه کرد، بیان کرده است. قرشی (۱۳۷۱، ج ۶، ص ۵-۶) معنای قسط را به کسر اول عدالت کرد و به فتح اول ستم کرد می‌داند و می‌نویسد قسط نصیبی است که از روی عدالت باشد. دهخدا در لغت‌نامه به تفصیل قسط را توضیح می‌دهد و معناهای مختلف آن را بیان می‌کند: (با ق س) خشکی در گردن. راستی استخوان‌های ساق ستور. (با ق) عدل و داد کردن. مانند عدل. (با ق) عدل و داد، بهره از هر چیزی، حصه و نصیب، پیمان‌ه که نیمه صاع باشد. مکیال یسع نصف صاع، مقدار، رزق، ترازو، کوزه، (با ق) جور و بیدادگری کردن و از حق بازگردیدن، پریشان و پراکنده نمودن چیزی را، گران شدن نرخ (لغت‌نامه دهخدا، برخط، زیر واژه قسط). در فرهنگ فارسی معین (۱۳۸۸) نیز قسط به معنای عدل و داد، بهره، نصیب دانسته شده است. در انگلیسی و زبان‌های دیگر نیز بیشتر واژه قسط، معادل Justice آورده شده است.

۳. نگاهی به پیشینه عدالت و قسط در قرآن

2 Merriam-Webster
3 Cambridge Dictionary

درباره عدالت دیدگاه‌های بسیار گسترده‌ای ارائه شده است. در زمینه عدالت در اسلام نیز بررسی‌ها گسترده هستند. بیشتر اندیشمندان مسلمان درباره عدالت نظر داده‌اند. درباره عدالت و قسط در قرآن نیز بررسی‌هایی انجام شده است. یک دسته بررسی‌ها در پی استخراج معنای عدالت از قرآن بوده‌اند که به فراخور موضوع به قسط نیز اشاره کرده‌اند مانند هاشمی تنکابنی (۱۳۹۸)، باادب برزگر و کاظمی تبار (۱۴۰۰)، خسروپناه و همکاران (۱۳۹۳)، فرجی آرپناهی و همکاران (۱۳۹۹)، پورمولا و همکاران (۱۳۹۴)، امین مقدسی و افصحی (۱۴۰۲)، فخرزراع (۱۳۹۸)، خوش‌فر و رحمانی (۱۴۰۰)، اسکی و همکاران (۱۳۹۹)، عربشاهی کیزی (۱۳۹۵)، نظری (۱۳۸۳)، حسینی، سیدرضا (۱۳۹۰)، اخلاقی (۱۴۰۰)، یوسفی (۱۳۸۴) و فراهانی فرد (۱۳۹۱). بیشتر این بررسی‌ها یک معنای اصلی عدالت و عدالت را رعایت و دادن حق دیگران دانسته‌اند. اینها قسط را در دامنه معنای عدالت توضیح داده‌اند.

برخی بررسی‌ها عدالت و قسط را متفاوت دانسته‌اند. از این دسته بررسی‌ها، اخوان طبسی و میرحسینی (۱۳۹۵) به بررسی واژه‌شناسی قسط پرداخته و بیان می‌کنند درباره قسط با سه واژه کاملاً متفاوت روبرو هستیم که اتفاقی زیر ریشه قسط آمده‌اند. قاسطین از ریشه قش در زبان نوستراتیک باستان گرفته شده است. قسط در معنای عدالت از ریشه واژه یونانی دیکسطاس به معنای عدالت و قضاوت گرفته شده است. قسطاس نیز از واژه یونانی قسطاس به معنای پیمان و واحد سنجش ساخت یافته است.

اخوان طبسی و داوری (۱۳۹۷، ۱۰۷-۱۲۸) با مرور نظر لغت‌شناسان و ارائه نظرهای مشابه، بیان می‌کنند واژه قسط در معنای صریح خود دارای مولفه‌های معنایی قانون و قانونمداری و حق و نصیب است و در معنای ضمنی حق و راستی را دربر می‌گیرد. از همین منظر مفهوم قسط با مفهوم عدالت در علوم انسانی نوین (یعنی *Justic*) قابل مقایسه است. الهی‌زاده و همکاران (۱۳۹۹، ۸۱-۱۱۴) می‌گویند از کاربردهای قسط در آیات قرآن کریم به نظر می‌رسد، قسط ناظر به سهم‌ها و حق‌ها است. این سهم‌ها و حق‌ها در سه بعد اقتصاد-اجتماع-سیاست، چینش شده‌اند.

قاسم‌پور راوندی و همکاران (۱۴۰۱، ۳-۲۹) در بررسی قسط در آیه ۲۵ سوره حدید می‌نویسند برخی از مفسران و اندیشمندان برپایی قسط در این آیه را رعایت عدالت در داد و ستد و انفاق و رفع نیازهای دیگران دانسته‌اند. برخی دیگر براین باورند که قسط در این آیه ناظر به معنای عدالت اجتماعی است و آیه درصدد بیان برقراری آن به عنوان یکی از اهداف انبیا است.

مکارم شیرازی (۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۳۳۱) می‌نویسد واژه قسط و اقساط در مواردی به کار می‌رود که گروهی در چیزی شریک باشند، اگر نصیب و بهره هر یک به‌طور کامل پرداخته شود، این عمل قسط است و اگر در میان آنها تبعیض کنند، جور است. ولی عدالت که نقطه مقابل آن ظلم است، مفهوم گسترده‌تری دارد که هم در موارد شرکت و هم در غیر آن به کار می‌رود. در جای دیگری (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۴۴۰) می‌گوید در آیه ۴ سوره یونس، قسط تنها در مورد کسانی که عمل صالح دارند و پاداش نیک دریافت می‌کنند گفته شده و در مورد کیفر بدکاران عنوان نشده است. این به علت آن است که در معنای قسط نصیب و سهمیه موضوعیت دارد و مجازات و کیفر، در آمد و سهمیه محسوب نمی‌شود پس قسط تنها متناسب پاداش نیک است، نه مجازات.

قادری (۱۳۷۶، ۳۴۵) میان قسط و عدل تمایز قایل است. می‌نویسد آیات قسطی نسبت به آیات عدلی وضعیت عموم و خصوص مطلق دارند. یعنی آیات عدلی از خطاب خاص و آیات قسطی از خطاب عام برخوردار هستند، ولی این حکم در مورد

قسط‌گذار و عدل‌گذار صادق نیست. ریشه این عدم صدق در تمایزی است که میان درست و معتبر برقرار است. معیار سنجش و تشخیص عدل و قسط، همچنین عدل‌گذار و قسط‌گذار یکسان نیست. مصادیق مقولات یاد شده در قاموس منطق از نوع عموم و خصوص من وجه است. قسط را نیز در دو دامنه معنایی تعریف می‌کند: قسط اعتباری و قسط حقیقی.

بهرامی (۱۳۹۵، ۱۲۳-۱۵۰) بیان می‌کند که واژه قسط با کلمه عدل همراه شده و به همان معنا به کار برده می‌شود. ولی در بیان تفاوت این دو گفته شده که عدل مفهومی گسترده‌تر از قسط دارد. زیرا قسط درباره عدالت ظاهری و تقسیم عادلانه و نقطه مقابل آن تبعیض است. ولی عدل هم درباره آن و هم موارد دیگر به کار می‌رود (عسکری، ۱۴۰۰، ق، ۲۲۹).

در یک جمع‌بندی از پیشینه می‌توان گفت درباره تشابه و تفاوت معنایی عدالت و قسط برداشت‌های متفاوتی صورت گرفته است. برخی این دو را به یک معنا دانسته‌اند. ولی برخی همراه پذیرش مشترکات معنایی، تفاوت‌هایی نیز برای معنای این دو دانسته‌اند. درباره معنا و مفهوم قسط براین نظر هستند که قسط و اقساط در مواردی به کار می‌رود که گروهی در چیزی شریک باشند و اگر نصیب و بهره هر یک کامل پرداخته شود. این عمل قسط است. همچنین دیدگاهی بیان می‌دارد که قسط تنها شامل نصیب و پاداش می‌شود و مجازات را دربر نمی‌گیرد. برداشت مشابهی بیان می‌کند در آیات قرآن کریم به نظر می‌رسد، قسط ناظر به سهم‌ها و حق‌ها است. یک دیدگاه نزدیک به این نیز قسط را عدالت اقتصادی می‌داند.

برداشت دیگری میان عدالت و قسط رابطه عموم و خصوص من وجه و برداشتی دیگر، رابطه این دو را عموم و خصوص مطلق می‌دانند. برداشتی قسط را در آیه ۲۵ حدید ناظر بر معنای عدالت اجتماعی می‌داند. برداشت دیگری نیز می‌پندارد قسط درباره عدالت ظاهری و تقسیم عادلانه و نقطه مقابل آن تبعیض است. ولی عدل هم درباره آن و هم موارد دیگر به کار می‌رود. یک برداشت نیز واژه قسط را در معنای صریح خود دارای مولفه‌های معنایی قانون و قانونمداری و حق و نصیب و بسیار نزدیک به مفهوم Justice می‌داند.

براین پایه برداشت‌های بسیار متفاوتی درباره نسبت معنایی عدالت و قسط وجود دارد، ولی واقعیت این است که همه این برداشت‌های متفاوت نمی‌توانند درست باشند. برای درک بهتر درستی این برداشت‌ها به بررسی معناشناسی مقایسه‌ای عدالت و قسط با تمرکز بر مولفه‌های معنایی آن در قرآن می‌پردازیم.

۴. استخراج هم‌نشین‌های عدل و قسط در قرآن

۴.۱. هم‌نشین‌های عدل

واژه عدل و ریشه آن ۲۸ بار در قرآن به کار رفته است (آیه‌های ۲ طلاق، ۹۵ ملئده، ۱۰۶ ملئده، ۷ انفطار، ۸ ملئده، ۱۵۹ اعراف، ۹۰ نحل، ۱۸۱ اعراف، ۷۶ نحل، ۵۸ نسا، ۹ حجرات، ۳ نسا، ۱۵ شوری، ۱۲۹ نسا، ۱۳۵ نسا، ۱۵۲ انعام، ۲۸۲ بقره و ۱۱۵ انعام). در برخی آیه‌ها بیش از یک بار و همه آیه‌های قرآن که در آن واژه‌هایی با ریشه عدل به کار رفته ۲۳ آیه است. عدل در قرآن به چند معنا به کار رفته است که یکی از آنها عدالت یا همان داد است.^۴ مترجمان و مفسران قرآن، در ۵ آیه آن را به معنایی غیر از عدالت به کار برده‌اند. در آیه‌های ۴۸ و ۱۲۳ سوره بقره ملبه‌ازا و معادل ترجمه کرده‌اند. در آیه‌های ۱ و ۱۵۰ سوره انعام این واژه به معنای هم‌تراز، برابر یا معادل ترجمه شده و در آیه ۶۰ سوره نمل نیز به معنای کوتاه آمدن و

۴ تفلیسی عدل در قرآن را دارای هفت معنا می‌داند: درستی (نساء/ ۵۸)، بدل (بقره/ ۴۸)، مانند (مائده/ ۹۵)، برابر (انعام/ ۱) گردیدن (نساء/ ۱۳۵)، دادگری (مائده/ ۸) و نیکوکاری (مائده/ ۹۵) (تفلیسی، ۱۳۸۶، ۳۲۱).

عدول کردن از حق گرفته شده است. البته در این آیه‌ها هم می‌توان با تعمق بیشتر ریشه عدالت را دید. اینجا وارد بحث ترجمه نمی‌شویم. غیر از آیه‌های یاد شده، در ۱۸ آیه با ۲۱ تکرار از واژه با ریشه عدل مترجمان و مفسران منظور قرآن را عدالت و داد بیان کرده‌اند. از این آیه‌ها ۳ آیه به صاحب عدل یا عادل بودن شخص شاهد یا حکم‌دهنده اشاره دارد و آیه‌های دیگر به رفتار عادلانه یا عدول از عدالت پرداخته‌اند. آیه‌های قرآن که در آنها واژه عدل به معنای عدالت به کار رفته است، همراه با هم‌نشین‌های سازنده مولفه‌های معنایی آنها در چارچوب ۱۴ مولفه استخراج و جداسازی شد تا بتوان معنای مقایسه‌ای بهتری از عدالت در قرآن را به دست آوریم. برای رعایت اختصار در متن مقاله آورده نشده است.

۴.۲. هم‌نشین‌های قسط

واژه قسط و مشتقات آن در قرآن ۲۳ بار و در ۲۰ آیه به کار رفته است (آیه‌های ۴۷ انبیا، ۸۵ هود، ۹ الرحمن، ۴۷ یونس، ۴۲ مائده، ۱۸ آل عمران، ۱۵۲ انعام، ۲۹ اعراف، ۲۵ حدید، ۲۱ آل عمران، ۵۴ یونس، ۱۳۵ نسا، ۹ حجرات، ۵ احزاب، ۸ مائده، ۴ یونس، ۱۲۷ نسا، ۳ نساء، ۲۸۲ بقره، ۳۵ اسراء، ۱۸۱-۱۸۴ شعرا و ۱۴-۱۵ جن). افزون بر این، واژه‌های قسطاس و قاسطون نیز هر کدام دوبار دیگر به کار رفته‌اند که برخی ریشه آنها را قسط می‌دانند و برخی نمی‌دانند. بیشترین تکرار در سوره‌های یونس و نسا آمده است. در این آیه‌ها ۵ بار به موضوع پاداش و مجازات آخرتی و ۹ بار به موضوع اقتصادی پرداخته شده است. آیه‌های دیگر به موضوع‌های دیگری اشاره کرده‌اند. آیه‌های قرآن که در آنها واژه قسط به کار رفته است، همراه با هم‌نشین‌های سازنده مولفه‌های معنایی آنها (مانند عدالت) در چارچوب ۱۴ مولفه استخراج و جداسازی شد تا بتوان تحلیل معنایی مقایسه‌ای بهتری از قسط به دست آوریم.

۵. تحلیل مقایسه‌ای مولفه‌های معنایی عدالت و قسط در قرآن

اگر بخواهیم مجموعه هم‌نشین‌های عدالت و قسط را برای توضیح مفهوم درست و نیز مقایسه آنها به کار ببریم، می‌توانیم ابعاد مفهومی عدالت و قسط در قرآن را در چند ویژگی خلاصه کنیم. این هم‌نشین‌ها بر پایه آنچه در باره استخراج مولفه‌ها توضیح داده شد، در چارچوب ۶ بخش مولفه‌های معنایی، مولفه‌های کارکردی و کاربردی، هم‌نشین‌های دیگر، نکته‌های ویژه هر واژه، ابعاد اقتصادی و غیراقتصادی و مقایسه تصریح شده قرآنی برای دو واژه در جدول ۱ خلاصه شده است.

۵.۱. مولفه‌های معنایی صریح

می‌توان بر پایه آیه‌های قرآن، ۴ مولفه معنایی صریح برای عدالت و قسط شناسایی کرد.

الف. معنای تصریح شده

۲۱ تکرار واژه عدل با مفهوم عدالت در قرآن به چند معنای مشابه به کار رفته است: کار درست، شهادت درست، مطابق واقعیت، رعایت و دادن حق، جزای متناسب عمل، جایگزین متناسب مجازات، بی‌طرفی و درستگویی. با توجه به محتوای آیه‌های قرآن این معناها درجایی به کار رفته‌اند که موضوع حق افراد در کار است. اینها درجایی مطرح هستند که اگر درست انجام نشود، حقی از کسی گرفته می‌شود. براین پایه این کارها برای رسیدن حق به حق‌دار است. از این رو می‌توان معنای اصلی عدالت را رسیدن حق هرکسی به او است.

درباره قسط نیز از ۲۳ تکرار واژه، معنای کلی نزدیک به عدالتی برداشت می‌شود: کار درست، معامله درست، شهادت درست، دقیق و درست، برابر واقعیت، رعایت و دادن حق، دادن حق به صاحب آن و دادن حق یتیمان و دختران یتیمی که

به همسری گرفته‌اید. با مشاهده این معناها می‌توان گفت معنای کلی قسط نیز با اندکی تفاوت در جزئیات و مصداق‌ها، همان معنای رعایت و دادن حق دیگران یا رسیدن حق به حق‌دار است. باین وجود قسط هرچند به معنای کلی عدالت است، ولی با توجه به مولفه‌های دیگر معنایی، می‌توان تفاوت‌هایی میان این دو یافت.

ب. ماهیت عدالت و قسط

درباره ماهیت عدالت در قرآن می‌توان گفت عدالت دستور خدا، قاعده اخلاقی، دستور انسان و عدول از عدالت گناه است. براین پایه قرآن رفتار به عدالت را واجب می‌داند و در آیه ۱۰۶ سوره مائده می‌فرماید باید شهادت عادلانه بدهید و امتناع از آن را گناه می‌شمارد. همچنین در آیه ۲۸۲ سوره بقره (که موضوع اقتصادی دارد) از نپذیرفتن شهادت و نوشتن درست توافق منع شده است. به سخنی این کار واجب انسانی و یک کار اخلاقی است. قرآن انجام آن را دارای پاداش ویژه‌ای نمی‌داند. داشتن عدالت برتری دانسته نشده است. نداشتن آن عیب و گناه است و کسانی که عدالت ندارند پست‌تر شمرده شده‌اند. در آیه ۳ سوره نسا هم می‌فرماید در کار اگر نمی‌توانید عدالت کنید آن را انجام ندهید. نمی‌فرماید اگر عدالت کنید پاداش می‌گیرید. یعنی انجام ندادن کاری که در آن عدالت نباشد، بهتر است.

در قرآن درباره ماهیت قسط نیز آمده است: قسط دستور خدا، قاعده اخلاقی، دستور انسان، عدول از قسط گناه است. افزون بر اینها قسط کم و زیاد دارد و قسط معیار دارد. براین پایه قسط یک دستور دینی و قاعده بایسته انسانی مانند عدالت و بسیاری از دستورهای دینی اخلاقی است. بعد ویژه تصریح شده درباره ماهیت قسط (دربرابر عدالت) این است که قسط می‌تواند کم و زیاد داشته باشد. این نکته از به‌کار رفتن اقسط و قسط در قرآن (۵ احزاب و ۲۸۲ بقره) روشن می‌شود. افزون بر این چون قسط معیار اجرایی دارد، می‌تواند دقیق و دقیق‌تر داشته باشد. درباره نوشته شدن توافق نیز قرآن واژه اقسط بودن را به‌کار می‌برد. یعنی در انجام معامله درست، نوشتن معامله، زمینه اقسط را فراهم می‌کند.

پ. واژه‌های مخالف عدالت و قسط

در قرآن برای عدالت مخالف‌های تجاوز به حق دیگران، عدول از حق، فحشا، منکر، تجاوز، فساد، کتمان و تحریف شهادت و عدول از شهادت درست بیان شده است. افزون بر تجاوز به حقوق دیگران، عدول از حق و تحریف و عدول از شهادت درست که در معنای عدالت نیز آمده است، با دقت در اینها متوجه می‌شویم با وجودی که بسیاری گفته‌اند واژه مخالف عدالت، ظلم است، ولی در قرآن واژه مخالف عدالت را ۲ بار تجاوز و خروج از حدود درست بیان کرده است و در یکی از آنها فحشا و منکر را نیز در کناری بغی (تجاوز از حدود) آورده شده است.

درباره این درباره واژه‌های مخالف قسط در قرآن مشابه عدالت تجاوز به حق دیگران، ندادن حق همسر و فرزندان همسر و تبدیل مال خوب آنها به بد، عدول از حق و فساد هستند، ولی افزون بر اینها کم‌فروشی، دستکاری در ترازو و مهمتر از همه ظلم بیان شده است. به‌آسانی می‌توان دریافت که دستکاری در ترازو و کم‌فروشی مصداق‌هایی از تجاوز و ندادن حق دیگران هستند، ولی این واژه‌ها با فساد دو اختلاف روشن دارند. یکی اینکه اینها تنها اقتصادی هستند و دیگری اینکه اینها با یک معیار مشخص قابل شناسایی هستند. افزون بر این، خداوند واژه ظلم نشدن را در زمینه قسط و نیز زمان تعیین موازین قسط به‌کار برده است. به سخن دیگر هرچند در مفهوم عام ظلم را مخالف عدالت دانسته‌اند و می‌توان قسط را نیز عدالت، جامع‌تر از عدالت، نوعی از عدالت یا مصداقی از عدالت دانست، ولی به‌نظر می‌رسد اینکه قرآن ظلم را دربرابر عدالت به‌کار نبرده و دربرابر قسط به‌کار برده است، می‌تواند ویژگی خاص قسط دربرابر عدالت باشد.

ت. پایه و معیار عدالت و قسط

می‌توان در قرآن معیارهایی را که کارها باید برپایه آنها انجام شود تا عدالت تحقق یابد، چنین برشمرد: توافق انجام شده، حق، درست، واقعیت، عرف، وحی، جریمه برابر خسارت وارده، آنچه خدا به افراد داده، حق هرکس و گفته بدهکار و پرداخت کننده. براین پایه می‌توان گفت رفتاری عادلانه است که در انجام آن حق هیچ کس از او گرفته نشود و در آن پایمال شدن انتقال حق کسی به دیگران فراهم نشود. نکته محوری حق و رعایت حق در عدالت در دو آیه ۱۵۹ و ۱۸۱ سوره اعراف به صراحت بیان شده است. این مفهوم در جاهای دیگر به ویژه در جاهایی که قرآن، شهادت درست یا نوشتن درست توافق‌ها را رفتار عادلانه می‌داند، مانند آیه‌های ۲۸۲ بقره، ۱۰۶ مائده و ۲ طلاق نیز دیده می‌شود.

می‌توان در قرآن معیارهایی را که هرکاری باید برپایه آن انجام شود تا قسط تحقق یابد، چنین برشمرد: توافق انجام شده، قرارداد، درست، واقعیت، معیارهای وضع شده خدا، وحی، کار انجام شده، معیارهای پذیرفته شده مردم، پیمان، وزن و معیارهای پذیرفته شده طبیعی. در بیشتر آیه‌ها، هنگامی که از واژه قسط استفاده می‌شود، قرآن از معیار هم سخن می‌گوید. در آیه‌هایی (۴۷ انبیا و ۴۷ و ۵۴ یونس) قراردادن معیار برای تعیین پاداش و مجازات آخرتی را بیان کرده است. در جایی که ربط کمتری دارد، مانند آیه ۵ سوره احزاب نیز نسبت دادن فرزند به پدر واقعی را اقسط خوانده است. روشن است که اینجا نیز پدر واقعی بودن، معیار است. البته در اینجا می‌تواند معنای درست بودن هم باشد. این یک معیار حقیقی و طبیعی است. وزن و پیمان که در تعداد بیشتری از آیه‌ها اشاره شده است، معیارهای پذیرفته شده اجتماعی هستند و کتاب خدا، وحی و قرار دادن موازین قسط در آخرت، معیارهای اعلام شده الهی، برخی برای دنیا و برخی برای آخرت هستند.

تنها جایی که معیار از پیش تعیین شده جداگانه نام برده نشده است، آیه ۴۲ مائده است که حکمیت پیامبر میان کافران است. شاید بتوان از آیه‌هایی که در پی دستور عدالت کنید، گفته شده است قسط کنید، این معنا را برداشت کرد که در اجرای عدالت، قسط کنید، یعنی قسط شیوه یا ابزاری برای عدالت است.

در آیه‌های دارای موضوع قسط اقتصادی که به وزن و پیمان کردن درست پرداخته‌اند، بیشتر به صورت روشن ترازو و پیمان را معیار بیان کرده است. در آیه‌های ۱۲۷ و ۳ سوره نسا که از نظر زمان نزول نیز پشت سر هم هستند، با مسلمانان درباره حقوق مکتوب شده دختران یتیمی که به نکاح خود در آورده‌اند سخن می‌گوید. اینجا دادن آن حق معین شده با معیارهای وحی (در قرآن) و عرف را قسط می‌داند. آیه ۲۸۲ بقره نیز معیار نوشتن قرارداد و معامله را اقسط می‌داند. آیه ۲۵ سوره حدید نیز بینات و میزان را معیار می‌داند.

۵.۲. مولفه‌های کارکردی

می‌توان در قرآن ۵ مولفه کارکردی برای عدالت و قسط شناسایی کرد: فاعل، موضوع و مصداق، وسیله اجرا، هدف و مانع.

الف. فاعل

در قرآن برای عمل به عدالت، خدا، پیامبران، مومنان، مسلمانان، گروهی از قوم موسی و گروهی از مردم را به عنوان فاعل مطرح کرده است. با توجه به آیه‌های قرآن برخی کارهای انسان‌ها، می‌توانند ویژگی عادلانه بودن داشته باشند (یا این ویژگی را نداشته باشند). اگر این ویژگی را داشته باشند، عدالت رخ داده است. اگر نه، عدالت رخ نداده است. با این حال درباره خدا گفته شده است عمل او به عدالت است. خدا خود را فاعل آن دانسته و انسان به ویژه انسان‌های مومن و مسلمان را فاعل

بالقوه آن می‌داند (طلاق ۲، مائده ۹۵، مائده ۱۰۶، انفطار ۷ و مانند اینها) و در آیه‌های ۳ نساء و ۱۲۹ نساء و ۲۸۲ بقره که موضوع اقتصادی دارند به مسلمانان سفارش شده است عدالت کنند.

همچنین در قران برای عمل به قسط، خدا، ماموران قیامت، پیامبران، مومنان، مسلمانان، قوم شعیب پیامبر، مردم و مردم دارای کتاب و میزان را فاعل دانسته است. در جاهای مختلف قران گفته شده است قسط کنید. ولی در برخی جاها به صورت مطلق گفته شده است خدا قسط می‌کند (آیه ۱۸ آل عمران). به سخن دیگر خدا خلاف عدالت و قسط نخواهد داشت. در جایی به پیامبر گفته شده است اگر حکم می‌دهی به قسط بده. همچنین در آیه‌های مختلفی مومنان و مسلمانان خطاب قرار گرفته و سفارش و دستور داده شده‌اند که قسط کنند. همچنین در آیه ۲۵ حدید آمده است کتاب و میزان فرستادیم تا مردم قسط را برپا دارند. اینها به آن معنا است که خدا غیر عدالت و قسط ندارد، ولی همه انسان‌ها (از جمله پیامبران و مومنان) ممکن است و می‌توانند عدالت و قسط کنند.

افزون بر این در آیه ۲۱ سوره آل عمران سفارش کنندگان به قسط، همتراز پیامبران دانسته شده‌اند که این نیز نشانه‌ای بر جایگاه ویژه قسط است. همچنین در دو آیه ۸ ممتحنه و ۹ حجرات گفته شده است خدا قسط‌کنندگان را دوست دارد. این هم جایگاه قسط‌کنندگان را نشان می‌دهد. از این رو می‌توان فاعل قسط را از نظر قران انسان دارای رفتار برتر مانند نیکوکاران (محسنین) دانست که به دیگران سود می‌رسانند و قران همین واژه دوست داشتن خدا را درباره آنان نیز به کار برده است. همچنین قران مردم به معنای عام را نیز فاعل قسط بیان کرده است که درباره عدالت این صراحت نیست.

ب. موضوع و مصداق

برای عدالت در قران موضوع‌ها و مصداق‌های حکم دادن میان مردم، اصلاح میان دو طایفه و مردم، تعیین مصداق جریمه حکم برای جزای کار حرام، جزای جایگزین، عدالت میان مردم، دیکته کردن و نوشتن متن توافق، شهادت، قرارداد مالی، رعایت حقوق همسران، عدالت میان همسران، عدالت بر پایه حق، عدالت در آفرینش انسان، سخن خدا و سخن گفتن انسان به عدل بیان شده است. یعنی بر پایه قران، این کارها مصداق‌هایی برای آن است که بدانیم باید درباره آنها و مانند آنها عدالت را رعایت کنیم. موضوع ۷ آیه (۸ تکرار) (۷ انفطار، ۸ مائده، ۱۵۹ اعراف، ۹۰ نحل، ۱۸۱ اعراف، ۹ حجرات و ۱۵ شوری) عدالت کلی است. موضوع ۲ آیه یکی سخن گفتن انسان (۱۵۲ انعام) به دنبال بیان قسط اقتصادی و یکی سخن خدا (۱۱۵ انعام) است. اگر در سخن گفتن نیز تاکید شده است عدالت کنید، روشن است که در بسیاری از گفتارهای نادرست ادعای انتصاب یک ناحق به کسی یا سلب حق از کسی صورت می‌گیرد. درباره گفتار می‌توان در معنای کلی‌تر، درستی یا نادرستی را هم مشاهده کرد. دروغ درباره حق افراد، مصداقی از بی‌عدالتی است. باین وجود ممکن است هر نادرستی در گفتار بی‌عدالتی به شمار آید، ولی دست کم برخی از نادرستی‌های گفتار که در آن حق رعایت نمی‌شود، بی‌عدالتی به شمار می‌آید، ولی اگر عدالت را به معنای درست بدانیم، هر سخنی می‌تواند موضوع عدالت باشد.

موضوع ۲ آیه (۳ تکرار) (۹۵ مائده و ۵۸ نساء) حکم دادن میان مردم و تعیین مصداق حکم خدا و حکم عادلانه جایگزین است. موضوع ۳ آیه (۲ طلاق و ۹۵ و ۱۰۶ مائده) شهادت دادن است. یک آیه (۱۳۵ نساء) نیز منافع شخصی را مانع شهادت به قسط می‌داند. موضوع یک آیه (۷۶ نحل) فایده‌مندی آمر به عدالت مانند فایده‌مندی افراد ثروتمند است. موضوع ۳ آیه (۴ تکرار) عدالت اقتصادی است. ۲ آیه (۳ نساء و ۱۲۹ نساء) دادن حق اقتصادی همسران و یتیمان و در یک آیه (۲۸۲ بقره)

یک بار نوشتن توافق اقتصادی و یک بار دیکته کردن حقوق اقتصادی فرد یتیم برای نوشتن توافق اقتصادی است. با این توضیحات می‌توان گفت از نظر رفتاری یک بخش مهم موضوع عدالت در قرآن اقتصادی است. موضوع‌ها و مصداق‌های قسط در قرآن نیز حکمیت، شهادت، نوشتن هرگونه توافق مالی، دادن حق دختران یتیم که به همسری گرفتید، ارث پسران همسران، قضاوت مردم در آخرت، تعیین اندازه دقیق و دادن پاداش و جزا در آخرت، قسط با غیر محارب‌ها، نسبت دادن فرزند به پدر واقعی اقسط، وزن و پیمان‌ها کردن، استفاده از پیمان‌ها و ترازوی درست و اجرای عدالت به قسط هستند که برخی از این موضوع‌ها مشابه موضوع‌های عدالت است. از ۲۳ آیه قسط، آیه‌های ۴۷ انبیاء، ۴۷ یونس، ۱۸ آل عمران، ۵۴ و ۴ یونس موضوع قسط در دادن پاداش و جزای آخرتی هستند. ۹ آیه نیز موضوع‌های مختلف دیگر را مطرح می‌کنند. براین پایه قسط دامنه وسیعی از کارها را دربر می‌گیرد و این مغایر با برداشت‌هایی است که قسط را عدالت اقتصادی یا دادن نصیب، سهم و پاداش می‌داند.

پ. هدف

می‌توان هدف‌های عدالت را در قرآن چنین شناسایی کرد: برای خدا، تحقق حقوق وارثین، تحقق حق همسران، تحقق حقوق دیگران، اصلاح بین مردم، تنبیه گناه کار و نافرمان، خلقت احسن و انجام کار درست و برابر واقعیت. برای قسط نیز هدف‌های مشابهی قابل شناسایی است: برای خدا، تحقق حق دیگران، اعاده حق همسران یتیم، اصلاح میان مردم، دادن پاداش نیکوکار، قضاوت درست و تعیین و دادن دقیق پاداش و مجازات آخرتی، انجام درست‌تر معامله و دادن نسبت پدری واقعی. می‌توان گفت برای خدا بودن، انگیزه مشترک عدالت و قسط است و هدف‌ها در ۳ دسته قضاوت درست، دادن حکم درست (با تفاوت حکمیت و حکم) و رسیدن حق به صاحب آن.

ت. وسیله

در قرآن برای تحقق عدالت دو وسیله بیان شده است: یکی گرفتن دو گواه عادل و دیگری نوشتن متن توافق. ولی برای قسط افزون بر گرفتن دو گواه عادل و نوشتن توافق، ابزارهایی مانند پیمان‌ها، ترازو، موازین وضع شده خدا، میزان و مانند اینها نیز مطرح شده است که اینها با دو مورد مشترک میان عدالت و قسط تفاوت معناداری دارند. همه اینها ابزارهای قابل درک همگانی هستند و همگان می‌توانند خودشان درستی و نادرستی کار خود را تشخیص دهند. ولی درباره دو گواه و نوشتن، دیگران نیز درکار دخالت پیدا می‌کنند. شاید این نکته یک تفاوت معنایی مهم برای عدالت و قسط باشد که بیشتر توضیح داده خواهد شد.

ث. مانع

در قرآن چند علت و انگیزه اصلی برای عدول از عدالت و قسط بیان شده است: منافع خود و طرفداری از خویشاوندان که در آیه‌های ۱۰۶ مائده و ۱۵۲ انعام یاد شده است، پیروی هوای نفس که در آیه ۱۵ شورا و آیه ۱۳۵ نساء بیان شده است، دشمنی دیگران که در آیه ۸ مائده آمده است، کج فهمی که در آیه ۱۳۵ نساء بیان شده است و چند همسری که در آیه ۱۲۹ نساء آمده است. درباره قسط افزون بر اینها فروش شهادت درست نیز مطرح شده است. این مانع‌ها، نشانه آن است که عدالت و قسط نیازمند یک انگیزه خاص است که انسانیت و اخلاق را تقویت کند. البته ممکن است مانع‌های دیگری نیز وجود داشته باشد، ولی پیروی از هوای نفس می‌تواند همه مانع‌هایی را که در حوزه اراده و اختیار انسان است دربر بگیرد.

۵.۳. هم‌نشین‌های دیگر

می‌توان هم‌نشین‌های دیگر عدالت و قسط در قرآن را به ۳ دسته مثبت، منفی و خنثی از هم جدا کرد:

مثبت: تقوا، اخلاق، تذکر، موعظه، ایمان، راه درست، تسلیم امر خدا، وفای به عهد با خدا، خدا بخشنده گناه و مهربان، نجات انسان، سود، قسط، هدایت به حق، ارث، تکلیف به اندازه توان، رضایت طرفین به شاهد و کامل.

منفی: خطا در عبادت خدا، جریمه نافرمانی از خدا، منتقم، انسان بی‌فایده، عدول از قسط و جنگ برای رفع تجاوز.

خنثی: حکم، آخرت، خدا شنوا و دانا، خدا آگاه، خدا شنوا و بینا، تغییرناپذیری، برپاداشتن، وصیت، استقامت و وظیفه.

همچنین هم‌نشین‌های قسط اینها هستند

مثبت: تقوا، ایمان، اخلاق، پاداش، کار نیک، سود، رشد، منافع مردم، سود رساندن، وفای به قرارداد، بهترین نتیجه، عزیز و حکیم، یاری خدا و رسول، وفای به عهد با خدا، تسلیم امر خدا، برای خدا، روی کردن به خدا در زمان عبادت، اخلاص، تکلیف به اندازه توان، استواری، عدالت و پاداش

منفی: ستمکار، کشتار متقابل، قاتل پیامبران، قاتل غیرحق، مواخذه، مجازات برای کفر، عذاب، پشیمانی و هیزم دوزخ.

خنثی: قضاوت، حکمیت، برپاداشتن، ابزار آهنی، آخرت، قراردادن، حساب کردن، دختران یتیم، پسران ناتوان، ازدواج، تاریخ معین و معامله.

در این هم‌نشین‌ها چند نکته ویژه نهفته است:

- ✓ عدالت و قسط هر یک هم‌نشین دیگری آمده‌اند که می‌تواند تاییدی بر نزدیکی مفهومی دو واژه باشد.
- ✓ بخش قابل توجهی از هم‌نشین‌های دو واژه مشترک هستند که این نیز تایید دیگری بر اشتراک مفهومی است.
- ✓ در هم‌نشین‌های قسط واژه‌های خاص و دقیق موردی مانند یتیم، ناتوان، حساب کردن، ترازو، آهن و همچون اینها بیشتر دیده می‌شود. این می‌تواند نشانه‌ای از تفاوت مفهوم دو واژه باشد.

۵.۴. نکته‌های ویژه هر واژه

با وجود اشتراک‌های معنایی دو واژه عدالت و قسط، در قرآن برخی ویژگی‌ها برای یکی از این دو به‌کار رفته است و برای دیگری به‌کار نرفته است. افزون بر اینها گاهی قرآن همزمان در یک آیه یک کار را برای عدالت و یک کار را برای قسط مطرح کرده است. اینها می‌توان تفاوت معنایی دو واژه را بهتر روشن کند. نخست ویژگی‌های به‌کار رفته برای هر یک از دو مفهوم عدالت و قسط با یک تحلیل کوتاه و پس از آن مقایسه‌های قرآنی این دو واژه را مطرح می‌کنیم.

الف. ویژگی‌های عدالت در قرآن

برای عدالت ویژگی‌هایی مانند کار درست فردی دنیایی، می‌تواند نشانه دنیایی بودن عدالت در برابر قسط باشد که هم دنیایی و هم آخرتی است.

سخن خدا به‌عدل است، می‌تواند تفاوت معنایی قسط و عدل را نشان دهد.

سخن انسان به‌عدل باشد، می‌تواند تفاوت معنایی قسط و عدل را نشان دهد.

آفرینش انسان به‌عدل است، می‌تواند تفاوت معنایی قسط و عدل را نشان دهد.

ب. ویژگی‌های قسط در قرآن

برای قسط نیز برخی ویژگی‌ها بیان شده است که برای عدالت بیان نشده است:

قسط کار خدا و ملائکه و دانشمندان تاییدکننده قسط خدا هستند. ممکن است منظور این باشد که قسط را ملائکه و دانشمندان درک می‌کنند و دیگران نه. اینکه قابل تایید است باید معیار داشته باشد و دقیق باشد. در حکمیت برای کافران و برخورد با کافران قسط به کار رفته است که برای آنان باید با معیار مشخص حکمیت کرد. کم و زیاد داشتن قسط، ممکن است به علت معیار اندازه‌گیری داشتن قسط باشد که دقیق و دقیق‌تر است. نوشتن هر توافقی اقسط، می‌تواند به این علت باشد که نوشته، معیار است و تایید معیارداری قسط است. خدا مقسطین را دوست دارد، می‌تواند برتری ویژه قسط بر عدالت باشد. قراردادن موازین قسط ابزار ظلم نشدن است که می‌تواند به علت معیارداری قسط باشد که قابل تشخیص بودن آن برای عامل به قسط را آسان می‌کند. عدالت درباره قضاوت به کار نرفته و درباره حکم دادن به کار رفته است. ولی قسط درباره قضاوت و نیز حکمیت به کار رفته است.

پ. مقایسه تصریح شده قرآنی عدالت و قسط

می‌توان برخی متن‌های قابل برداشت مقایسه‌ای درباره عدالت و قسط در قرآن یافت که می‌توانند تفاوت معنایی قسط و عدالت را نشان دهند. مانند:

در هیچ جایی دو واژه عدالت و قسط در جمله‌های مشابه جایگزین یکدیگر نشده‌اند، ولی در برخی جاها مفهوم مشابه دارند، مانند امر خدا به عدل و قسط. این کاربرد مشابه دیگری ندارد.

در آیه ۱۵۲ انعام، پیمان‌ها و وزن کردن را به قسط، ولی سخن گفتن را به عدل دستور داده است.

در آیه ۳ و ۱۲۷ نساء قسط درباره حقوق دختران یتیم که به همسری گرفته‌اید و ارث پسران یتیم همسران، ولی عدالت برای همسران دیگر (که پدران‌شان مدافع آنها است) به کار رفته است.

آیه ۲۸۲ بقره می‌فرماید نوشتن توافق مالی به عدالت باشد و نتیجه نوشتن زمینه اقسط را فراهم می‌کند.

۵.۵. تنوع ابعاد عدالت و قسط در قرآن

در قرآن عدالت برای دنیا مطرح شده است، در حالی که قسط در دنیا و آخرت مطرح شده است.

عدالت و قسط در قرآن در ابعاد متفاوتی مطرح شده‌اند. برخی ابعاد اینها مشترک و برخی ابعاد متفاوت است.

عدالت و قسط هر دو به عنوان واجب مطرح شده‌اند، برای خدا باید انجام شوند و مانند و هم‌تراز عبادت دانسته شده‌اند.

عدالت و قسط هر دو از جنبه اخلاقی مطرح شده‌اند. این به علت آن است که هدف اصلی فرستادن پیامبران و دین‌گسترش اخلاق است.

عدالت و قسط از بعد رفتار درست فردی مطرح شده‌اند و این به نگاه دین‌وابسته است که هرکس در گروه رفتار خویش است.

عدالت و قسط هر دو برای حکم دادن و شهادت مطرح شده‌اند که در اختلاف میان افراد مطرح است. ولی در قضاوت و تشخیص اندازه حق قسط مطرح شده است. شاید بتوان این را بعد قضایی عدالت و قسط دانست.

عدالت و قسط هر دو در زمینه رعایت و دادن حقوق افراد مطرح شده است که می‌توان جنبه حقوقی آنها دانست.

عدالت در زمینه‌های سخن خدا، آفرینش انسان و سخن انسان مطرح شده است که قسط در این زمینه‌ها مطرح نشده است.

۵.۶. ابعاد اقتصادی

می‌توان ابعاد اقتصادی مطرح شده در قرآن برای عدالت را چنین برشمرد: حقوق اقتصادی در طلاق و توافقات مالی آن، مجازات اقتصادی و كفاره گناه، شهادت وصیت، ارث، سود مادی و رشوه برای تحریف شهادت، همتراز کمک مالی به نزدیکان، همتراز امانت‌داری، حقوق اقتصادی و مالی همسران، رعایت حق اقتصادی همسران، جابجایی مال و حق، رعایت حق ثروتمند و فقیر، بدهی، وام، قرارداد مالی، حق مالی یتیم، دیکته کردن متن مالی، مجازات اقتصادی، نوشتن درست قرارداد.

همچنین می‌توان ابعاد اقتصادی مطرح شده برای قسط در قرآن را چنین بیان کرد: شهادت میان ثروتمند و فقیر، امکان جابجایی مال ثروتمند و فقیر در تخلف از شهادت، ارث، مهریه و حقوق اقتصادی دختران یتیمی که به همسری گرفته‌اید، حق اقتصادی و ارث پسران ضعیف همسران، نوشتن توافق مالی و معامله، ابزار اندازه‌گیری مال، فروش، وزن کردن و پیمانانه کردن درست مال فروخته شده، پیمانانه و ترازو، اکتفا به مال خود در برابر مال دیگران و صدقه، حق اقتصادی همسران، سود رساندن، توافق مالی، قرارداد، معامله، بدهی.

جدول ۱. مولفه‌های معنایی مقایسه‌ای عدالت و قسط در قرآن

مولفه	برای عدالت در قرآن	برای قسط در قرآن
۱ معنا	کار درست، درست‌کاری/ شهادت درست/ برابر واقع/ رعایت و دادن حقوق همسران/ جزای متناسب عمل و جایگزین متناسب مجازات/ بی‌طرفی/ درست‌گویی	کار درست، درستکاری/ معامله درست/ شهادت درست/ دقیق و درست، برابر واقع/ رعایت و دادن حقوق همسران و دیگران، دادن حق به صاحب آن/ دادن حق یتیمان و دختران یتیمی که به همسری گرفته‌اید.
۲ ماهیت	دستور خدا/ قاعده اخلاق/ گناه بودن عدول از عدالت/ دستور انسان	دستور خدا/ قاعده اخلاقی/ گناه بودن عدول از قسط/ دستور انسان کم و زیاد داشتن قسط/ معیاری قسط
۳ پایه و معیار	توافق انجام شده/ درست، واقعیت/ عرف، وحی/ کار انجام شده (خسارت وارده)/ حق/ آنچه خدا به افراد داده/ گفته بدهکار و پرداخت کننده	توافق انجام شده/ قرارداد/ درست، واقعیت/ معیارهای وضع شده خدا، وحی/ کار انجام شده/ معیارهای پذیرفته شده مردم، پیمانانه و ترازو/ معیار طبیعی
۴ مخالف	تجاوز به حق دیگران، عدول از حق/ فحشا، منکر، تجاوز/ فساد/ کتمان و تحریف شهادت، عدول از شهادت درست	تجاوز به حق دیگران، عدول از حق/ فساد، کم فروشی/ ندادن حق همسر و فرزندان همسر و تبدیل مال خوب آنها به بد/ دستکاری در ترازو/ ظلم
۵ فاعل	خدا/ پیامبر/ مومنان/ مسلمنان/ گروهی از قوم موسی/ گروهی از مردم	خدا و ماموران قیامت/ پیامبر/ مومنان/ مسلمانان/ قوم شعیب پیامبر/ مردم، مردم دارای کتاب و میزان اقامه قسط
۶ موضوع و مصداق	حکم دادن میان مردم، اصلاح میان دو طایفه و مردم، تعیین مصداق جریمه حکم برای جزای کار حرام، جزای جایگزین/ عدالت میان مردم/ دیکته کردن و نوشتن متن توافق و شهادت/ قرارداد مالی/ رعایت حقوق همسران، عدالت میان همسران/ عدالت برپایه حق/ عدالت در آفرینش انسان/ سخن خدا به عدل/ سخن گفتن انسان به عدل	حکم در حکمیت میان کافران/ شهادت/ نوشتن هرگونه توافق مالی اقسط/ قسط درباره دختران یتیم که به همسری گرفتید، ارث پسران همسران/ قضاوت مردم در آخرت/ تعیین اندازه دقیق و دادن پاداش و جزا در آخرت/ قسط با غیر محارب‌ها/ نسبت دادن فرزند به پدر واقعی اقسط/ وزن و پیمانانه کردن، استفاده از پیمانانه و ترازو/ اجرای عدالت به قسط
۷ هدف	برای خدا/ تحقق حقوق وارثین، تحقق حق همسران/ تحقق حقوق دیگران/ اصلاح بین مردم/ تنبیه گناه کار و نافرمان/ خلقت احسن/ انجام کار درست و برابر واقعیت	برای خدا/ تحقق حق دیگران/ اعاده حق همسران یتیم/ اصلاح میان مردم/ دادن پاداش نیکوکار، قضاوت درست و تعیین و دادن دقیق پاداش و مجازات آخرتی/ انجام درست‌تر معامله، دادن نسبت پدری واقعی اقسط
۸ وسیله	دو گواه عادل/ نوشتن متن توافق	دو گواه عادل/ نوشتن در همه حالت‌ها/ پیمانانه و ترازو/ موازین وضع شده خدا برای پاداش و مجازات آخرت
۹ مانع	طرفداری از نزدیکان/ منافع خود و خویشان/ پیروی از هوای نفس/ چند همسری/ ناآگاهی/ دشمنی با شما	منافع خود و نزدیکان/ منافع ناحق شخصی/ پیروی از هوای نفس/ چند همسر داشتن مانع

۱۰	دیگر هم- نشین‌ها	مثبت: تقوا، اخلاق، تذکر، موعظه، ایمان، راه درست، تسلیم امر خدا، وفای به عهد با خدا، خدا بخشنده گناه و مهربان، نجات انسان، سود، قسط، هدایت به حق، ارث، تکلیف به اندازه توان، رضایت طرفین به شاهد، کامل منفی: خطا در عبادت خدا، جریمه نافرمانی از خدا، منتقم، انسان بی‌فایده، عدول از قسط، جنگ برای رفع تجاوز خنثی: حکم، آخرت، خدا شنوا و دانا، خدا آگاه، خدا شنوا و بینا، تغییرناپذیری، برپاداشتن، وصیت، استقامت، وظیفه
۱۱	ابعاد غیر اقتصادی	دنیایی، اخلاقی، عبادی، حکم دادن، حقوق، کار درست فردی، سخن خدا، خلقت انسان، سخن گفتن انسان
۱۲	ابعاد اقتصادی	حقوق اقتصادی در طلاق و توافق‌های مالی آن/ مجازات اقتصادی و کفاره گناه/ شهادت وصیت، ارث/ سود مادی و فروش و تحریف شهادت/ همتراز کمک مالی به نزدیکان/ همتراز امانت‌داری/ حقوق اقتصادی و مالی همسران/ رعایت حق اقتصادی همسران/ جابجایی مال و حق، رعایت حق ثروتمند و فقیر/ بدهی، وام، قرارداد مالی، حق مالی یتیم دیکته کردن متن مالی مجازات اقتصادی، نوشتن درست قرارداد.
۱۳	ویژگی خاص	کار درست فردی دنیایی، سخن خدا به عدل، سخن انسان، آفرینش انسان
۱۴	مقایسه در قرآن	پیمانه و وزن به قسط ولی سخن گفتن به عدل، قسط درباره حقوق دختران یتیم که به همسری گرفته‌اید و ارث پسران یتیم همسران، ولی عدالت برای همسران دیگر، نوشتن توافق مالی به عدالت باشد و نوشتن توافق، زمینه اقسط رخ می‌دهد و در اجرای عدالت قسط کنید.

۱۰. جمع بندی

با توجه به بررسی انجام شده دیدیم معنای اصلی دو واژه عدالت و قسط نزد واژه‌شناسان به رعایت و دادن حق دیگران بازمی‌گردد. بر پایه تحلیل مولفه‌های معناشناختی از هم‌نشین‌ها و کاربردهای قسط و عدالت در قرآن، تفاوت‌ها و شباهت‌های ظریفی قابل درک است که می‌تواند دامنه معنایی عدالت و قسط را روشن‌تر کند. در اینجا جمع‌بندی در چارچوب ۳ بخش اشتراکات معنایی، اختصاصات معنایی هر یک از دو واژه و در پایان، بحث نهایی ارائه می‌شود.

اشتراکات معنایی

✓ در معنای کلی دو واژه، مفهوم رعایت و دادن حق دیگران نهفته است. با این وجود، قرآن در هیچ‌جا این دو واژه را در جمله‌ها به عنوان جایگزین به کار نبرده است و حتی گاهی در یک آیه برخی از رفتارها را به قسط و برخی را به عدالت

توصیه کرده یا نسبت داده است (مانند آیه‌های ۱۵۲ انعام، ۳ و ۱۲۷ نساء و ۲۸۲ بقره). براین پایه می‌توان برداشت کرد عدالت و قسط دقیق یک معنا ندارند.

✓ عدالت و قسط هر یک هم‌نشین دیگری آمده‌اند و بخشی از هم‌نشین‌های دو واژه مشترک هستند که می‌تواند تاییدی بر نزدیکی مفهومی دو واژه باشد.

✓ برای عمل به عدالت و قسط در قرآن یک انگیزه «برای خدا بودن» و هدف‌های مشابه «انجام کار درست» و «رعایت حق افراد» به کار رفته است. همچنین خدا دستور به رفتار به عدل و قسط داده است و عدالت و قسط هر دو به عنوان واجب، از جنبه اخلاقی و نیز رفتار درست فردی مطرح شده‌اند که اینها می‌توانند نشان‌دهنده بخشی از ماهیت نگاه دینی مشابه به قسط و عدالت باشد.

✓ برخی مفهوم‌ها مانند فساد و تجاوز به حق دیگران در جایگاه مخالف هر دو واژه قسط و عدالت به کار برده شده‌اند.

✓ گرفتن دو شاهد عادل و نوشتن توافق، وسیله تحقق مشترک عدالت و قسط بیان شده است.

✓ معیارهای وحی، عرف، واقعیت رخ داده و مانند اینها برای هر دو به کار رفته‌اند.

اختصاصی عدالت

✓ معیار بودن حق دوبار به صورت صریح برای عدالت به کار رفته است، ولی به صورت صریح درباره قسط به کار نرفته است.

✓ در قرآن، موضوع آفرینش انسان به عدل، تنها برای عدالت به کار برده شده است و می‌تواند دامنه معنایی عدالت را نشان دهد که در قسط نیست.

✓ در قرآن، موضوع‌های سخن خدا به عدل است و دستور به انسان که به عدل سخن بگو، تنها برای عدالت به کار برده شده‌اند و می‌توانند دامنه معنایی عدالت را نشان دهند که در قسط نیست.

✓ آیه ۲۸۲ بقره می‌فرماید نوشتن توافق باید عادلانه باشد. هر توافق نوشته شده، زمینه را برای اقسط فراهم می‌کند.

اختصاصی قسط

✓ در ماهیت قسط کم و زیاد وجود دارد. ولی درباره عدالت این گونه واژه استفاده نشده است.

✓ واژه‌های کم‌فروشی و دستکاری در ترازو و به ویژه واژه ظلم تنها به عنوان مخالف قسط به کار رفته است.

✓ معیارهای عملیاتی مانند پیمان، وزن و همچون اینها تنها برای قسط به کار رفته است.

✓ قراردادن معیار برای قضاوت، برای اقامه و برای دادن پاداش و جزا تنها درباره قسط به کار رفته است.

✓ برای قسط مصداق‌های کاربردی موردی و دقیق‌تر به کار رفته‌اند، مانند: وزن کردن، پیمان کردن، دادن حق همسران یتیم، دادن پاداش و مجازات آخرتی و همچون اینها، ولی عدالت این گونه مصداق‌هایی ندارد.

✓ در هم‌نشین‌های قسط، واژه‌های اقتصادی و واژه‌های خاص و دقیق موردی مانند یتیم، ناتوان، حساب کردن، آهن و همچون اینها بیشتر از عدالت است.

✓ خدا دوبار در قرآن گفته است که خدا قسط‌کنندگان را دوست دارد، ولی درباره عدالت‌کنندگان این واژه یا مشابه آن به کار نرفته است.

✓ قسط درباره قضاوت و نیز حکمیت به کار رفته است، ولی عدالت درباره قضاوت به کار نرفته است و تنها درباره حکم دادن به کار رفته است.

- ✓ قسط هم دنیایی و هم آخرتی به کار برده شده، ولی عدل تنها درباره امور دنیایی به کار رفته است.
 - ✓ قسط کار خدا و شاهد آن ملائکه و دانشمندان دانسته شده‌اند. ولی برای عدالت چنین چیزی نیست.
 - ✓ در قرآن قراردادان موازین قسط ابزار ظلم نشدن دانسته شده است و ظلم مخالف قسط بیان شده است، ولی برای عدالت چنین بیانی نیست.
 - ✓ ابزارهای کاربردی مانند کتاب، میزان و قسطاس تنها برای قسط به کار برده شده‌اند.
- در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت:

۱. عدالت و قسط به معنای رعایت و دادن حقوق دیگران است.
۲. همه مصداق‌هایی که برای قسط مطرح شده‌اند دارای معیارهای اندازه‌گیری و تشخیص هستند. مانند دادن مال دیگران، وزن و پیمان‌کردن و در جایی هم که خدا برای آخرت مطرح کرده است گفته است خدا معیارها را برقرار می‌کند و بر پایه آن اندازه پاداش و مجازات تا کوچک‌ترین مقدار تعیین می‌شود. در باره حقوق دختران یتیم که به همسری گرفته‌اید نیز گفته شده است مکتوب کرده و می‌کنیم. هر یک شرایط زمانی، مکانی، فرهنگی، اجتماعی، دنیایی و آخرتی خاص خود را دارند، ولی اینها قابلیت تشخیص را بسیار روشن می‌کنند. می‌توان گفت قسط عدالتی است که معیار دقیق همگانی برای آن وجود دارد.
۳. از این‌رو است که برای قضاوت (که به معنای تشخیص درست است) قسط به کار رفته است. ولی برای سخن گفتن، آفرینش انسان و حکم دادن و دادن کلی حق دیگران که معیار دقیق همگانی قابل تکرار ندارد، عدالت به کار رفته است.
۴. افزون بر اینها در بسیاری از مصداق‌های به کار رفته برای قسط، فاعل اختیار و قدرت برتر را دارد، مانند: خدا برای پاداش و جزای آخرت، شوهر دختران یتیم و فرزندان یتیم همسران (که کسی برای دفاع ندارند)، وزن و پیمان‌کردن مال با پیمان‌ها و ترازوی فروشنده و مانند اینها. ولی عدالت میان دو گروه متخاصم، با همسران معمول (نه یتیم) و میان مردم عادی مطرح است که هر کدام قدرت دفاع دارند.
۵. چند مورد خاص اندکی متفاوت وجود دارد که آنها هم قابل توجیه است. مانند حکمیت که در آن تخاصم نیست. در جزئیات تفاهم وجود دارد و تنها نیاز به فردی است که تشخیص درست بدهد. همچنین در نوشتن توافق که نوشته معیار دقیق سنجش حق از ناحق خواهد بود که در زمان نیز زمینه قسط برتر را فراهم می‌کند.
۶. قسط در شرایطی تحقق می‌یابد که برای حق همه دینفع‌ها، قاعده و معیارهای مشخص پذیرفته شده وجود دارد، یک جامعه قانون‌مدار و مبتنی بر نظام‌های حقوقی مشخص و مدون در دنیا و یا یک دستگاه هوشمند آخرتی که رعایت شدن و نشدن حق افراد قابل تشخیص باشد. از این‌رو است که برای کار خدا در حساب آخرتی قسط به کار رفته، ولی برای آفرینش انسان یا سخن خدا که انسان عدالت آن را درست درک نمی‌کند عدالت به کار رفته است.
۷. یک مشکل اصلی معنایی دیگر عدالت نزد اندیشمندان مختلف این است که بسیاری کوشش کرده‌اند عدالت را بی‌معیار تعریف کنند که به نتیجه نرسیده‌اند. تنها برخی که معیار گذاشته‌اند در ارایه نظر خود و فهماندن آن موفق بوده‌اند مانند عدالت به معنای انجام قرارداد یا توافق، انصاف و برابری. هرچند ممکن است برخی از این تعریف‌ها درست نباشد، ولی قابل فهم است. از این‌رو می‌توان گفت قسط تعریف عملیاتی و اجرایی عدالت به معنای دادن حق افراد برپایه معیارهای پذیرفته شده است. ممکن است در طول زمان معیارها تغییر کند، ولی مفهوم کلی عدالت یعنی دادن حق افراد پابرجا است. برای

مثال مهریه و قاعده‌های آن در طول زمان تغییر می‌کند، ولی در هر زمان پرداخت حق همسر برابر قاعده‌های آن زمان، عدالت است.

۸. براین پایه به‌نظر می‌رسد برداشت‌هایی مانند اینکه قسط بعد اقتصادی عدالت است، قسط تنها برای دادن پاداش سهم و نصیب به‌کار می‌رود، عموم و خصوص من وجه بودن این دو، عدالت اجتماعی بودن قسط، عدالت ظاهری و تقسیم عادلانه بودن قسط و همچون اینها با معانی درون قرآنی این دو واژه هماهنگی ندارد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، المیزان، طبری، آیتی، پاینده، ابراهیمی، انصاری و ارفع.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۱۰ ق) معجم مقاییس اللغة، محقق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۱۴ ق) لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
۴. اخوان طبسی، محمدحسین و روح‌الله داوری (۱۳۹۷) صورت‌بندی مفهوم عدالت در قرآن کریم بر مبنای معناشناسی واژه قسط، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۱۳، صص ۱۰۷-۱۲۸.
۵. اخوان طبسی، محمدحسین و یحیی میرحسینی (۱۳۹۵) ریشه‌شناسی تاریخی واژگان و اثر آن بر فهم مفردات قرآن کریم: مطالعه موردی ریشه قسط، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۸، صص ۱۱۳-۱۳۲.
۶. اخلاقی، رحمت الله (۱۴۰۰) عدالت اجتماعی از منظر روایات، معارف اسلامی و اقتصاد، شماره ۱۳، صص ۸۷-۱۰۷.
۷. اسکی، محمد شفیق، جهانگیر ولدبیگی و شاهرخ سالاریان (۱۳۹۹) تحلیل حق، عدالت و مسئولیت اجتماعی در آموزه‌های قرآنی، مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، دوره پنجم - شماره ۳، صص ۶۹-۸۴.
۸. الهی‌زاده، محمد حسین، سید مجتبی امامی و محمدصادق تراب‌زاده جهرمی (۱۳۹۹) جامعه‌پردازی مبتنی بر قسط و عدل؛ برداشتی از المیزان، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال ۱۱، ش ۲، صص ۸۱-۱۱۴.
۹. امین‌مقدسی، ابوالحسن و نفیسه افضلی (۱۴۰۲) واکاوی معناشناختی مفهوم عدالت اجتماعی در قرآن کریم با تکیه بر مبحث هم‌نشینی‌های معنایی: ادب عربی، سال ۱۵، شماره ۱، صص ۴۳-۶۰.
۱۰. بادب برزگر، اعظم و محمدعلی کاظمی تبار (۱۴۰۰) معناشناسی عدل در قرآن کریم، همایش تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث، دوره ۱، صص ۱۸۷-۲۰۲.
۱۱. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۴) منجدالطلاب، ترجمه بندرریگی، محمد، تهران: اسلامی.
۱۲. بهرامی، معصومه ۱۳۹۵ معناشناسی واژه عدالت، پژوهشنامه نوین فقهی حقوقی زنان و خانواده، شماره ۳، صص ۱۲۳-۱۵۰.
۱۳. پورمولا، سیدمحمدهاشم، مرجان غلامی و راضیه بن‌زاده (۱۳۹۴) معناشناسی واژه عدل در قرآن کریم بر مبنای روش ایزوتسو، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و هشتم، شماره یکم، صص ۱-۲۳.
۱۴. حسینی، سیدرضا (۱۳۹۰) مفهوم و ماهیت عدالت اجتماعی با رویکرد اسلامی، اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۴، صص ۵-۳۰.
۱۵. خسروپناه، عبدالحسین، علی اصغر پورعزت و حبیب محمدنژاد چاوشی (۱۳۹۳) وسعت معنایی عدالت در قرآن، فصلنامه مطالعات تفسیری، شماره ۱۷، سال ۵، صص ۴۹-۷۴.
۱۶. خوری شرتونی، سعید (۱۳۸۵) اقرب الموارد فی فصیح و الشوارد، تهران: اسوه.
۱۷. خوش‌فر، محسن و راحله رحمانی (۱۴۰۰) الگوی عدل الهی با تکیه بر تفاسیر المیزان و اطیب البیان، نشریه تحقیقات کلامی، شماره ۳۳، صص ۴۱-۵۷.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۳۶۲) المفردات فی غریب القرآن، تهران: مرتضوی.

۱۹. سیدخراسانی، راضیه سادات و علی فتحی (۱۳۹۸) تحلیل رابطه حق در قرآن مجید بر پایه معناشناسی حق و با تاکید بر معناشناسی ساختگرا، پژوهش دینی، ش ۳۹، صص ۱۱۳-۱۳۵.
۲۰. شجاعی، حسین و محمدحسین اخوان طبسی (۱۴۰۰) چالش‌های واکاوی اصطلاحات تخصصی علوم انسانی در قرآن، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال ۲۶، شماره ۳، صص ۲۵-۴۶.
۲۱. صفوی، کوروش (۱۳۷۹) درآمدی بر معناشناسی، تهران: سوره.
۲۲. عربشاهی کریمی، احمد (۱۳۹۵) بررسی عدالت در قرآن کریم در سه محور، ۳۱۲- فصلنامه مطالعات قرآنی، سال هفتم، شماره ۸۲، صص ۱۰۹-۱۳۲.
۲۳. فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۴) توسعه پایدار بر محور عدالت، اقتصاد اسلامی، سال پنجم، ش ۱۹، صص ۹۱-۱۲۲.
۲۴. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد (۱۴۰۸ ق) کتاب العین، بیروت: الاعملى للمطبوعات.
۲۵. فخرزراع، سید حسین (۱۳۹۸) عدالت اجتماعی در قرآن، اسلام و مطالعات اجتماعی، سال ۷، شماره ۲، صص ۷-۲۸.
۲۶. فرجی آرپناهی، زهرا، جلال ابراهیمی‌فر، معصومه عبداله‌ی آرپناهی، عیسی ابراهیمی‌فر، زینب عبداله‌ی آرپناهی (۱۳۹۹) تحقق رویکرد عدالت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم و روایات، مجله علوم اسلامی انسانی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۹-۲۶.
۲۷. فلاح، ابراهیم (۱۴۰۱) واکاوی مولفه‌های معنایی علم برپایه روابط همنشین در نهج‌ابلاغه، پژوهشنامه علوی، سال ۱۳، ش ۱، صص ۲۶۷-۲۸۹.
۲۸. قادری، حاتم (۱۳۷۶) قسط، عدل و حکومت، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و احیای تفکر دینی، ج ۱، صص ۳۴۵، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۲۹. قاسم‌پور راوندی، محسن، محمد علی مهدوی‌راد و شیما محمودپور قمصر (۱۴۰۱) بررسی آرای مفسران درباره مفهوم و گستره عدالت اجتماعی با تاکید بر آیه ۲۵ سوره حدید، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۴۸، صص ۳-۲۹.
۳۰. قرشی بنایی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱) قاموس قرآن، ج ۶، ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. گلدانی، زهرا و علی احمد ناصح (۱۴۰۱) مولفه‌های معنایی واژه سعی در قرآن کریم، کتاب قیام، ش ۲۷، صص ۴۷-۶۶.
۳۲. معین، محمد (۱۳۸۸) فرهنگ فارسی معین، ۶ جلدی، تهران: امیر کبیر.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶) پیام قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ هـ ش، چاپ نهم، ج ۱۰، صص ۳۳۱.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷) لغات در تفسیر نمونه، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ اول، صص ۴۴۰.
۳۵. نظری، حسن آقا (۱۳۸۳) عدالت اقتصادی از نظر افلاطون، ارسطو و اسلام، اقتصاد اسلامی، سال چهارم، تابستان ۱۳۸۳، صص ۶۵-۸۱.
۳۶. هاشمی تنکابنی، سید موسی ۱۳۹۸ مرور تاریخی نظریه‌های مختلف درباره عدالت و پیجویی شواهد قرآنی مؤید هر نظریه، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۶۶، صص ۲۱۵-۲۴۰.
۳۷. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۴) عدالت اقتصادی، اقتصاد اسلامی، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۹۵-۱۱۲.
۳۸. لغت‌نامه دهخدا: <https://icps.ut.ac.ir/fa/dictionary>
۳۹. دیکشنری وبستر merriam-webster.com
۴۰. دیکشنری کمبریج dictionary.cambridge.org